

# کاربست آرای تربیتی جان دیویی در تعلیم و تربیت نوین

لادن سلیمی<sup>۱</sup>، مهدی درگاهی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ایران.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره سوم، شماره ششم، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۳۱-۴۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

## چکیده

پژوهش حاضر به کاربرد آرای تربیتی جان دیویی در تعلیم و تربیت نوین با هدف کاربردی ساختن آن می‌پردازد. این تحقیق از نوع تحلیل اسنادی است و به روش مرور انجام شده است. در این راستا و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده: طبق دیدگاه دیویی، معرفت حقیقی بر اساس تجارب حاصل می‌شود و آموزش و پرورش، فرایند تربیتی، سازمان‌دهی مجدد، بازسازی و تغییر شکل دادن است. نظر و عمل یا نظریه و عملکرد را نمی‌توان از همدیگر تفکیک کرد و آن دو، حکم واحد را دارند. هدف از منظر دیویی را می‌توان، آزمایشگاهی دانست که در آن هدف سازندگی، بازی و مطالعه طبیعت است و بچه‌ها با علاقه‌ی فعالانه به بازسازی تجارب خود می‌پردازند و مدام در حال بازسازی آن هستند. مؤلفه اصولی تعلیم و تربیت از منظر دیویی، تجربه و تفکر در تربیت است. انباشتن اطلاعات بی‌معنی در ذهن، یادگیری و فهم واقعی نیست. یادگیری واقعی از طریق تجربه، یعنی تأثیر و اثر متقابل فرد با محیط صورت می‌گیرد؛ و بهترین روش آموزش از منظر جان دیویی روش حل مسئله است که دانش‌آموز با طرح مسئله در ذهن به ساخت فرضیه و سپس فرضیه‌سازی و آزمایش فرضیه‌ها و نهایت ارزشیابی می‌پردازد؛ و مهم‌ترین آزادی، آزادی اندیشه و فهم است که در آن انسان به مشاهده و قضاوت صحیح می‌پردازد. دیویی با تکیه بر اصل تحول طبیعی، بنیاد هستی را محصول فرایندی از تحول و انتخاب طبیعی می‌داند و این باور را مبنای فلسفه تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. انتظار می‌رود نظام تعلیم و تربیت کشور با بهره‌گیری از نقاط مثبت مکتب تربیتی جهان‌شمول دیویی، عمل‌گرایی را در آموزش به منصفه ظهور برسانند.

**واژه‌های کلیدی:** جان دیویی، پراگماتیسم، تعلیم و تربیت.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره سوم، شماره ششم، بهار ۱۴۰۲

## مقدمه

دیویی فیلسوف، روانشناس و اصلاحگر نظام آموزشی به عنوان یکی از بنیان گذاران مکتب عمل گرایی (پراگماتیسم)، در زمینه های بسیار متنوعی همچون تجربه و طبیعت، تربیت، هنر نظر پردازی کرده (اسکالر، ترجمه حکیمی، ۱۳۶۶) و معتقد است تعلیم و تربیت متربی عبارت است از فرآیندی اصیل میان مربی و متربی، ناشی از ضرورت زندگی اجتماعی و مبتنی بر رغبت های درونی و فعلی متربی به منظور بازسازی تجربه برای رشد و دموکراسی اجتماعی (دیویی، ترجمه میرحسینی، ۱۳۶۹). اندیشه دیویی از این جهت حائز اهمیت است که دیویی بزرگترین نماینده تفکر عصر نوین غرب به شمار می رود و از این رو افکار و دیدگاه های او مبنای نظام و حاکمیت لیبرال دموکراسی تلقی می گردد (دیویی، ترجمه ابوسعیدی، ۱۳۳۷). جان دیویی تعلیم و تربیت را به عمدی و غیر عمدی تقسیم کرده، اساس آموزش و پرورش را ارتباط و انتقال فرهنگی و اجتماعی می داند زیرا بدون آموزش و پرورش عمدی و غیر عمدی زندگی میسر نیست؛ همچنین محیط اجتماعی نقش مهم تربیتی دارد و فراگیری کودک امری انتزاعی و مجرد از مناسبات و روابط اجتماعی و محیط نیست، بلکه در متن همین مناسبات مطالب فراوانی را فرامی گیرد؛ به اعتقاد دیویی انگیزه ها و کوشش های مشخص نوآموز را باید کنترل و هدایت کرد و نقش راستین تعلیم و تربیت همین است؛ و در آخرین مورد دیویی بر این نکته تأکید تام می ورزد که تعلیم و تربیت به رشد رساندن است طی یک فرآیند اصیل میان مربی و متربی، ناشی از ضرورت زندگی اجتماعی و مبتنی بر رغبت های درونی و فعلی دانش آموز و متربی به منظور بازسازی تجربه برای رشد و دموکراسی اجتماعی (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

فلسفه تربیتی جان دیویی را باید تحول گرا دانست. از این رو، انتظار ثبات و پایداری در اندیشه وی انتظاری نابجاست (دیویی، ۱۳۴۳، ترجمه همدانی). گو اینکه دیویی با پیروی از اصل تحول انواع، همه چیز از جمله فکر و اندیشه را نیز در حال تحول می داند و به هیچ وجه فکر ثابت و پایدار را بر نمی تابد. در اینجا مفهوم تحول بسیار فراتر از مفهوم شدن و تغییر و دگرگونی است. نوع خاصی از تغییر و شدن است؛ تغییر و شدنی که به حقیقت و ماهیت اشیاء نسبت داده می شود. مشکل اساسی تحول گرایان این است که نمی توانند و یا نمی خواهند به وجود حقیقتی ثابت و رای ذهن و اندیشه بشری اعتراف کنند (کاردان، ۱۳۹۱). آنان قبل از آنکه به حقیقت ثابتی بی اندیشند، با این پیش فرض که همه چیز در حال شدن است خیال خود را راحت کرده اند و راه را به روی هر حقیقت ثابتی بسته اند. بر این اساس محیط اجتماعی نقش مهم تربیتی دارد و فراگیری مخاطبان امری انتزاعی و مجرد از مناسبات و روابط اجتماعی و محیط نیست، بلکه در متن همین مناسبات مطالب فراوانی را فرامی گیرد. به نظر دیویی صرف انباشتن اطلاعات بی روح و بی معنی در ذهن، یادگیری و فهم واقعی نیست (دیویی، ترجمه تولیتی، ۱۳۷۵).

دیویی معتقد است در برنامه تربیتی باید مراحل رعایت گردند که عبارت اند از استمرار و پیوستگی مفاهیم با یکدیگر، رابطه متقابل یادگیرنده و یاد دهنده، کنترل اجتماعی و رعایت آن در برنامه درسی. همچنین وی معتقد است که باید جدیدترین روش ها را متناسب با زمان در برنامه درسی منظور کرد تا دانش آموزان متناسب با فناوری نوین پیشرفت کند. از نظر دیویی برنامه درسی مطلوب باید با علاقه، استعداد و نیاز مخاطبان تناسب و هماهنگی داشته و تمامی تغییر و تحولات جدید در آن منظور شده باشد (دیویی، ۱۹۹۰). دیویی در کتاب روانشناسی کاربردی خود نظریه تربیتی-روانشناختی خود را بر این مبنا سامان می دهد که آموزش و پرورش باید بر اساس خواست، علاقه، آرمان ها و گرایش و انگیزه کودکان استوار باشد (رنتر، ۱۹۶۴). به طور کلی دیویی با اکثر رشته ها و دروس که جنبه ی عملی و کاربردی دارد، موافق بوده و در صدد فراهم ساختن محیط مساعد مبتنی بر واقعیت های اجتماعی جهت رشد و شکوفایی افراد می باشد. بر اساس آنچه ذکر شد فراهم ساختن مطلوبیت ها و ایدئال های واقعی در برنامه های درسی متناسب با علایق و توانمندی فراگیران بر اساس مقتضیات محیط پیرامون بسیار مهم و ضروری است (ترک زاده و کشاورزی، ۱۳۹۵).

در این دیدگاه بر ساخت و به کارگیری معنا، ایده ها و اندیشه ها توسط فراگیر تأکید می شود. دیویی اعتقاد دارد که دانش آموز دانش خود را با مشارکت دیگران و با استفاده از روش علمی به طور فعال کشف و خلق می کند؛ بنابراین، باید در فرایند یاددهی-یادگیری، عاملیت انسان به رسمیت شناخته شود. با توجه به عاملیت انسان، دانش آموز باید پروژه های مهمی را طراحی کند؛ پروژه های معناداری که باعث ملموس تر شدن زندگی شود (آیزر، ۱۹۹۵). به نظر پراگماتیست ها، نحوه تشکیل و توسعه کشور آمریکا این حقیقت را که بهبود شرایط زندگی انسانی تنها در سایه فعالیت هایی که تحت راهنمایی

نیروی عقلانی قرار دارد امکان پذیر می باشد، اثبات می کند. برخورد مهاجران اروپایی با سرزمین جدید و کوشش برای تشکیل جامعه‌ای بدون سابقه، مستلزم به کار انداختن نیروی عقلانی و استفاده از آن در تمام شئون زندگی بود (اسکفلر، ترجمه حکیمی، ۱۳۶۶).

دیویی با طرح موضوعاتی از قبیل ابعاد تربیتی و اجتماعی انسان، نقش دموکراسی در زندگی، روش حل مسئله، تجربه مستمر، فرایند هدف و وسیله، رشد به عنوان هدف آموزش و پرورش، اصل استمرار یادگیری، وابستگی روش محتوای درسی، به کارگیری روش های آزمایشی، وحدت علوم و دروس (دیویی، ۱۹۳۹) و انتقاد از اهداف آرمانی و تحمیلی و درونگر در آموزش و پرورش و انتقاد از روش های جامعه استبدادی و متکی به انضباط و معلم محوری در تعلیم و تربیت (باقری و عطاران، ۱۳۷۶)، وضعیت نامعلوم و نامناسب آموزشگاه های عصر خود را آشکار ساخته و نهایتاً موجب ایجاد تحولی در نگرش مردم در خصوص مسائل اجتماعی، انسانی و تربیتی گردید. به گفته دیویی، آموزش و پرورش زندگی است به آماده شدن برای زندگی؛ بنابراین در مدارس باید زندگی واقعی جریان داشته باشد، نه الگوهای کلیشه ای و ناهمگون از زندگی، تربیت مؤثر باید به تقویت و توسعه توانایی ها و قابلیت های دانش آموزان در مدرسه، خانواده و جامعه منجر شود (دیویی، ترجمه آریان پور، ۱۳۴۱).

در این زمینه پژوهش های متعددی درباره دیدگاه های جان دیویی در حوزه تعلیم و تربیت صورت گرفته است که در جدول ذیل، مهم ترین این موارد معرفی می گردد:

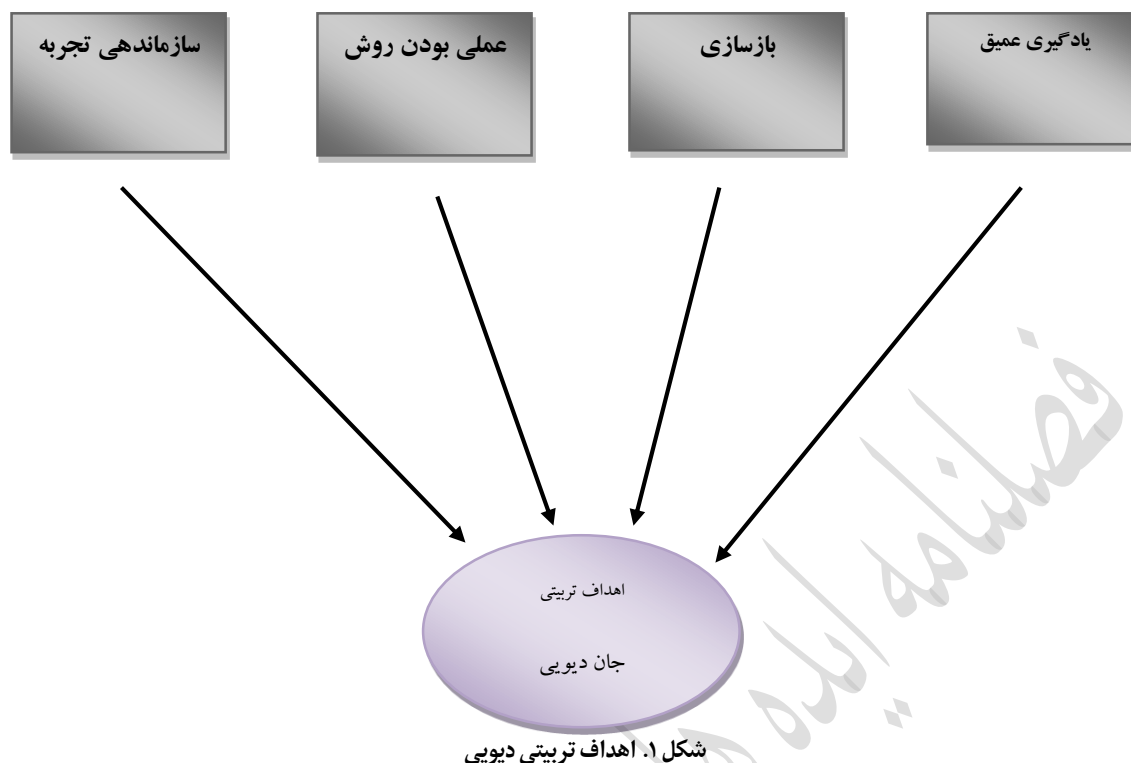
نویسنده	عنوان مقاله	نتیجه
ادیب منش و پرویزی (۱۴۰۱)	زیبایی شناسی و هنر از دیدگاه جان دیویی و اشارات تربیتی آن بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی ایران	نتایج پژوهش اینکه که هنر و زیبایی شناسی از دیدگاه دیویی شامل چهار محور: تناسب و هماهنگی، خودآگاهی کیفی، بیان و ابراز احساسات، تخیل می باشد و برآیند تربیتی این آموزه ها در آموزش و پرورش این است که متولیان و متصدیان تعلیم و تربیت را از غفلت فرایندهای که راجع به آموزش عمومی هنر و زیبایی شناسی در فرایندهای تربیتی وجود دارد، آگاه کرد و اهمیت آن را در زندگی گوشزد کرد.
آتش و همکاران (۱۳۹۹)	کاربرد دلالت های فلسفی و تربیتی جان دیویی برای مدیران آموزشی	فعالیت های فطری در نظری دیویی اکتسابی بوده و سعادت مطلق و ثابت نیست و به معنی پیشرفت گردن است. انعطاف پذیری در اتخاذ و تحقق اهداف، طراحی فضای فیزیکی مدرسه، ارتباط دادن مدرسه و جامعه و فراهم آوردن محیط توانمند باری و کار و تفکر ورزی.
ایزدپناه و شمشیری (۱۳۹۹)	بازسازی نقش و کارکرد فلسفه تعلیم و تربیت در نسبت با عمل تربیتی مبتنی بر اندیشه های جان دیویی	بر اساس نتایج، رابطه فلسفه، فلسفه تعلیم و تربیت و عمل تربیتی رابطه ای دوسویه و دیالکتیکی است و هرگونه فلسفه ورزی تربیتی، زمانی که جامه عمل می پوشد و تبدیل به کنش تربیتی برای حل مسائل یا چالش های تربیتی موجود در بافت و موقعیت تربیتی می شود که خود مشمول بازبینی و بازسازی دوباره از مسیر فلسفه ورزی تربیتی می شود.
صحرائین و همکاران (۱۳۹۹)	تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی	نظام آموزشی به عنوان محور یادگیری، با طراحی و برنامه ریزی های دقیق آموزشی می تواند فرصت رشد شهروندی دانش آموزان را و با عنایت به نظریات ارزنده اندیشمندان فراهم آورد.
کردلو و همکاران (۱۳۹۸)	تبیین زیبایی شناسی از دیدگاه جان دیویی و استلزام های تربیتی آن	نتایج پژوهش نشان داد زیبایی شناسی، تجربه و دانش در دیدگاه دیویی با یکدیگر رابطه دارند. دیویی مخالف هر نوع دوگانگی و موافق یکپارچگی در زیبایی شناسی، تجربه و دانش است
هاشمیان و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی تطبیقی اندیشه های زیبایی شناسی علامه محمدتقی جعفری و جان دیویی و استنتاج دلالت های آن در تعلیم و تربیت	هر دو اندیشمند، در پذیرش ضرورت تربیت زیبایی شناسی، نگاهی مشترک دارند. هر دو در هدف غایی مبتنی بر رشد ذائقه زیبایی شناسی و اهداف واسطی: پرورش نوآوری، خلاقیت و خیال ورزی، اشتراک داشته، ولی در جهت رشد، باهم افتراق دارند. در بحث مری، مثنوی و برنامه درسی باوجود اشتراکاتی در نظریات ایشان، مهم ترین افتراق آن ها در توجه به ارتباط انسان با خدا و مبدأ و مقصد هستی است. در بحث روش تدریس نیز هر دو، توجه به رغبت و نیاز شاگرد و مبتنی بر کشف و جستجو بودن روش ها اذعان دارند.
سرمی و همکاران (۱۳۹۷)	استلزامات مؤلفه های زیبایی شناسی جان دیویی در نظام آموزش از راه دور	نتایج تأثیر نظریات دیویی بر آموزش از راه دور عبارتند از جمله: خارج کردن محتوا از بسط و سکون، یکپارچگی و انسجام در محتوا، منادار کردن هیجانات انسان، پرورش احساسات متعالی و بیداری وجدان انسانی، ایجاد کنش و واکنش و تعامل بین فرد و محیط، انطباق دادن امور قبلی و جدید، انتقال سریع مفهوم و استقلال فکری فراگیران، ایجاد شور و نشاط در زندگی و با نشاط کردن کلاس درس.
رجب پورفرخانی و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در رویکرد پیشرفت گرایی (با تأکید بر آراء تربیتی) و تعلیم و تربیت اسلامی (مطهری)	نتایج این رویکرد در مواردی مانند: توجه به تفاوت های فردی، اصول، انگیزه و رغبت، مشاهده و تجربه، تحقیق و تفکر، نزدیک کردن جریان آموزش به زندگانی واقعی و نگرستین به کودک به عنوان موجودی فعال، از نقاط قوت آن بوده و موافق با معیارهای تعلیم و تربیت اسلامی و نظریات استاد مطهری در این مقوله می باشد.
ترک زاده و کشاورزی (۱۳۹۵)	تبیین جایگاه رویکرد راهبردی در برنامه های درسی آموزش عالی بر اساس دیدگاه جان دیویی	محیط آموزش، مواد و محتوای برنامه درسی، هدفگذاری ها، سیاست های اجرایی نظام آموزشی و سایر ابعاد برنامه های درسی بایستی متناسب با مقتضیات محیطی، توانمندی ها و علایق فراگیر شکل بگیرد و این مهم با ایجاد موقعیت ها و ساختن شرایط محیطی مناسب از راه فعالیت، تحقیق و پرورش دانشجویان و ایجاد مهارت تفکر و تأمل در آنان میسر می شود.
خاری آرائی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تطبیقی آرای تربیتی ملامحسن فیض کاشانی و جان دیویی	فیض انسان را موجودی مرکب از روح و جسم و دیویی آن را مادی محض می داند. در زمینه هدف تربیت، فیض هدف غایی را قرب الهی و دیویی آن را رسیدن به جامعه دموکراتیک می داند و در زمینه اصول تربیت، هر دو متفکر، اصل فعالیت و همراهی علم و عمل را جز اصول خود می دانند.
پورحسینی و همکاران (۱۳۹۲)	تبیین دلالت های دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی شناسی برای فرایند تدریس و یادگیری	از دید دیویی برای این که فرایند تدریس و یادگیری، زیبایی شناسی باشد، باید این موارد را به کار برد: استفاده از مبانی علمی در فرایند تدریس و یادگیری؛ تدریس واحد داشتن؛ پرهیز از تقلید ها در تدریس؛ اتصال یادگیری با امور روزمره و اجتماعی؛ استفاده از عوامل روانشناسی مثل تخیل و عاطفه در فرایند تدریس و یادگیری؛ نگاهی زیبایی شناسی داشتن به شغل معلمی؛ استفاده از بازی در این فرایند؛ ضرورت صداقت و نظم برقراری به صورت هنرمندانه.
نیک روز و همکاران (۱۳۹۱)	مقایسه اندیشه های تربیتی و آموزشی سعدی و جان دیویی	نتیجه اینکه در موارد رغبت در آموزش و پرورش و هدف آموزش و پرورش همانندی هایی در نظریاتشان وجود دارد؛ اما در مواردی مثل روش تدریس، طبیعت کودک، مراحل تربیت، نقش معلم، تربیت دینی عقایدی به جنبه تجربه به یادگیری همداستانند.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کیفیت و ماهیت از نوع مطالعات مروری و بر اساس احصای آرای تربیتی جان دیویی از نوع مطالعات توصیفی - تحلیلی است. همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل فرم‌های فیش برداری، و داده‌ها نیز با استفاده از شیوه‌های کیفی، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است.

### ۱- اهداف تربیتی در کاربربست آرای تربیتی جان دیویی چه مؤلفه‌هایی هستند؟

در تبیین هدف در تربیت از منظر دیویی می‌توان به مدرسه آزمایشگاهی دیویی اشاره کرد جایی که در آن هدف سازندگی، بازی و مطالعه طبیعت است و بچه‌ها با علاقه‌ی فعالانه به بازسازی تجارب خود می‌پردازند و مدام در حال بازسازی آن هستند (دیویی، ۱۹۶۲). بچه‌ها در این مدرسه همه‌ی امور را با استفاده از تجارب و از راه عمل کسب می‌کنند، و این موجب برانگیختن علاقه و فعالیت کودک و ترغیب او به سمت یک یادگیری عمیق و پایداری است که فرد ضامن کسب تجربه و عملی بودن رفتار و وظایف و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی فرهنگی و سیاسی را می‌آموزد و اهداف این پیوندها که گاه در مسیر بازی برای دانش‌آموزان حاصل می‌شود بسیار پایدار خواهد بود که به یادگیری عمیق منجر خواهد شد. نقش مربی در این مسائل، راهنمایی و کمک به پیشرفت دانش‌آموز است و این انگیزش و علاقه در مربی او را به سمت دستیابی به فرضیه‌های تربیتی مختلف سوق می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۸۴). در این مرحله کودک به بازسازی تجربه می‌رسد که در راه دستیابی به اهداف و نتایج بزرگ اجتماعی خواهد بود. رسیدن به حقیقت فرضیه‌ها و گزاره‌هایی که کودک در مسیر رسیدن به یادگیری پایدار و عمیق طی می‌کند او را مجهز خواهد ساخت تا در آینده بتواند در یک جامعه بزرگ‌تر ایفای نقش کند؛ زیرا یادگیری عمیق و پایدار باعث بروز یک تفکر عمیق در دریافت حقیقت امور و اشیا خواهد شد که معنای یادگیری کودک را در آینده تضمین خواهد کرد (دیویی، ۱۹۹۰)؛ زیرا دیویی باور دارد که در یک یادگیری پایدار مؤلفه‌هایی وجود دارد که متضمن استلزامات مهم در هدف تربیتی است که می‌تواند مسیر مربی را در راه رسیدن به حقایق امور هموار کند؛ زیرا کسب تجربه و بازسازی مدام آن در مسیر عمل راه رسیدن به یک یادگیری پایدار را ترسیم می‌کند و این همان اهداف تربیتی دیویی است که مربی را برای رسیدن به‌غایت آن ترغیب می‌کند. جرال‌دگوتک (۱۳۹۱) اشاره می‌کند که مدرسه آزمایشگاهی دیویی که برای زندگانی توأم با همکاری متقابل بچه‌ها طراحی شد و در آن کودکان به‌طور فعالانه به بازسازی تجارب خود می‌پردازند و محیط یادگیری به‌گونه‌ای است که باعث ایجاد انگیزه در آنان خواهد شد تا بتوانند به یادگیری پایدار برسند. همچنین دیویی (۱۳۳۹) در آثار خویش به این نکته اشاره دارد که اهداف تربیتی همواره باید به‌عنوان یک فرایند هدف در نظر گرفته شوند زیرا تعلیم و تربیت هم وسیله است و هم هدف. دیویی در اکثر آثار خود به تجربه و بازسازی آن تأکید فراوان دارد و نقش تجربه در رسیدن به یادگیری پایدار را متضمن رسیدن به اهداف تربیتی می‌داند. دیویی بر «عمل کامل تفکر» تأکید دارد و آن را از عناصر مهم تربیت می‌داند.



## ۲- در کاربست آرای تربیتی جان دیویی کدام مؤلفه‌های اصولی در تربیت عقلانی باید رعایت شوند؟

دیویی درباره رابطه تربیت و تجربه می‌گوید. تربیت از تجربه، به‌وسیله تجربه و برای تجربه است؛ اما تأکید بر تجربه به‌تنهایی کافی نیست بلکه چگونگی تجربه است که اهمیت دارد. او برای به دست آوردن معیاری که به اعتبار آن بتوان درباره چگونگی تجربه قضاوت کرد، چند اصل بیان می‌کند، اصل پیوستگی تجربه، اصل تأثیر دوسویه، اصل مربوط به کنترل اجتماعی، اصل مربوط به آزادی، اصل مربوط به هدف و اصل مربوط به سازمان مواد درسی (دیویی، ۱۳۴۳).

در این پژوهش آنچه به‌عنوان اصول اساسی مطرح شد ابتدا باید به نظم و انضباط اشاره کرد که دیویی آن را به‌عنوان یک انضباط بر خواسته از درون موردپذیرش قرار می‌دهد. به نظر وی انضباط هرگز نباید از بیرون به دانش‌آموز تحمیل شود. بلکه باید این اتفاقات از درون انسان رخ دهد و این نوع تکلیف یا انضباط می‌تواند زمینه‌ساز تغییر و تحول در فرد شود و اسباب پیشرفت فرد را در آینده فراهم کند. وقتی نظم‌پذیری از بطن فرد نشأت گیرد پایدارتر خواهد بود و فرد خود را مکلف به انجام وظایف و مسئولیت‌ها خواهد کرد (نقیب زاده، ۱۳۸۷). دیویی باور دارد که اراده انسان‌محور انضباط است که می‌تواند آگاهانه در مسیر درست قدم بردارد و در برابر موانع و سختی‌ها ایستادگی کند و حس مسئولیت را به بهترین وجه ممکن تقویت کند و همچنین نقش انضباط درونی فرد را به‌سوی قضاوت منطقی و صحیح سوق می‌دهد؛ و این عنصر انضباط مهم‌ترین عامل پیشرفت فرد خواهد بود؛ زیرا به ایجاد انگیزه و رغبت در فرد منجر خواهد شد و نشانه‌های بارز آن ثبات اراده و رسیدن به قله‌های سعادت است که از این طریق حاصل می‌گردد. عنصر مهم دیگر که دیویی موردبررسی قرار می‌دهد تفکر است که نقش محوری در تربیت عقلانی دارد و این جریانی است مداوم مستمر و پیوسته که به عمل و تجربه می‌انجامد (کاردان، ۱۳۹۱)؛ زیرا این جریان از تجارب عمل آغاز می‌شود و آنچه دیویی بدان توجه خاص دارد این است که تفکر و اندیشه ملاک ارزش و مشکل‌گشایی است زیرا فکر راهنمایی عمل و در مسیر کسب تجارب گوناگون فکر به‌عنوان راهنما است که انسان را از موانع و خطرات آگاه می‌کند؛ زیرا بدون تفکر و اندیشه هرگز نمی‌توان از فراز و نشیب حوادث و مشکلات عبور کرد و در مسیر کسب تجارب بشری نقش تفکر بسیار اساسی است. (کمانه و همکاران، ۱۴۰۱). چنانچه دیویی (۱۳۳۹) به این نکته اشاره دارد که فکر و اندیشه برای انسان نقش راهنما در عمل است و برای حل نمودن مشکل و رفع موانع بسیار راهگشا است. در اصل استمرار توجه دیویی پیوسته به تجربه‌هایی است که در انسان اشتیاق پیوستن به تجربیات بعدی

را فراهم می‌کند. کسب تجربیات جدید زمینه رشد و بالندگی فرد را فراهم می‌کند که دیویی از آن به‌عنوان عنصر مهم یاد می‌کند؛ زیرا رشد فکری و روحی انسان در کسب همین تجربیات پیوسته است که فراهم می‌شود که در این مسیر باید به شرایط درونی و بیرونی و تأثیر و تأثرات آن را لحاظ کنیم تا بتوانیم با کنترل شرایط بیرونی و ایجاد سازگاری نیازها و توانایی‌ها فرد را به سمت پیشرفت هدایت کنیم. شریعتمداری (۱۳۸۴) نیز به این موضوع اشاره دارد که نقش شواهد عینی و درونی به‌عنوان عامل مهم در تأثیر متقابل است، و هر دو نقش مهمی در یادگیری افراد دارد؛ زیرا هر تجربه‌ای هم تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیر می‌گذارد؛ و اثر تجارب آغازین به تجارب بعدی انتقال می‌یابد. در بحث کنترل اجتماعی به نقش ماهیت آن در فعالیت‌های اجتماعی است و برای معلم در تربیت بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تعلیم و تربیت یک فرایند اجتماعی است که معلم و دانش‌آموز اعضای اصلی این مجموعه اجتماعی است مسئولیت خاص در هدایت این فرایند اجتماعی بر عهده معلم است که از آزادی افراطی دانش‌آموز جلوگیری کند درعین حال به او چیزی تحمیل نکند و در اینجا باید به آزادی فهم اشاره کرد که موردنظر دیویی است زیرا این آزادی همیشگی و مداوم است؛ و شخص در پرتو آن می‌تواند به مشاهده و قضاوت منطقی بپردازد (دیویی، ۱۹۹۰).

آزادی حرکات ظاهری در این بحث صرفاً وسیله است نه هدف، در مفهوم آزادی نباید فرد را محدود کنیم بلکه با فراهم کردن شرایط، دانش‌آموز باید بتواند آزادانه به یک قضاوت هوشمندانه برسد و خود را بشناسد و استعدادهای بالقوه خود را به عرصه ظهور برساند و برای رسیدن به رشد و بالندگی فکری تلاش کند (باقری و عطاران، ۱۳۷۶). رسیدن به یک هدف عالی و خلق طرح‌ها و ایده‌های مفید بازتاب آزادی اندیشه در مسیر مطلوب می‌باشد؛ زیرا شاگرد در مسیر با قوانین آشنا می‌شود و به آزادی بیان دست می‌یابد و این جریانی است که فرد با کسب مهارت و تجربه می‌تواند به اصول صحیح در مسیر رسیدن به‌غایت خویش دست یابد. شریعتمداری (۱۳۸۴) هم به این نکته اشاره دارد که آزاد گذاردن دانش‌آموز فواید بسیار دارد چراکه ذهن فرد صرفاً و انبار اطلاعات نیست. بلکه آزادی اندیشه و تفکر به دانش‌آموز کمک خواهد که خویشتن را بیابد و برای رسیدن به حقیقت وجودی خویش تلاش کند.

ازنظر دیویی، تجربه و تفکر در تربیت بسیار مهم تلقی شده است. انباشتن اطلاعات بی‌معنی در ذهن، یادگیری و فهم واقعی نیست. یادگیری واقعی از طریق تجربه، یعنی تأثیر و اثر متقابل فرد با محیط صورت می‌گیرد، تفکر و تحقیق علمی را دیویی شامل پنج مرحله دانسته است. در مرحله اول، انسان به عمل و تجربه می‌پردازد. در مرحله دوم، به مسئله‌ای برخورد می‌کند. در مرحله سوم، اطلاعاتی درباره آن مسئله گردآوری می‌کند. در مرحله چهارم، به کمک آن اطلاعات راه حل می‌جوید. در مرحله پنجم، پس از انتخاب راه حل دوباره به عمل و تجربه روی می‌آورد (ترک‌زاده و کشاورزی، ۱۳۹۵). وی معتقد است: "هدف تربیت نباید ثابت باشد، بلکه باید آمیخته با عمل باشد. هدف عمده تربیت رشد و توسعه است که فرایندی مستمر می‌باشد." دیویی اصول زیر را در تربیت بیان کرده است:

۱- اصل استمرار و پیوستگی: تعلیم و تربیت که بر اساس تجربه است، استمرار و پیوستگی دارد. هر تجربه به تجربه‌های دیگر پیوسته است و در تجربه‌های پس از خود نیز، زنده می‌ماند. تجربه‌ای که به تجربه‌های بیشتری بستگی داشته باشد و تجربه بیشتری را ممکن گرداند از نظر تربیت بااهمیت‌تر است. بنابراین تجربه‌ای که شوق به تجربه‌های بعدی را در انسان برانگیزد، تجربه‌ای خوب است و بالعکس.

۲- اصل رابطه متقابل: در تجربه بین فرد و محیط، رابطه متقابل وجود دارد. به این مطلب اشاره می‌کند که هر تجربه کننده هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد، یعنی هم عوامل درونی (یادگیری) و هم عوامل بیرونی (تمدن)، در تجربه تأثیر دارند.

۳- اصل کنترل اجتماعی: هر فردی به‌طور گسترده تحت کنترل اجتماعی است. این کنترل احساس آزادی فرد را از بین نمی‌برد. مربی نیز از تحمیل و کنترل فردی باید جلوگیری کند و کنترل جمعیت را بر محیط حاکم کند. در مدارس جدید فعالیت‌ها جنبه اجتماعی دارند. هر یک از افراد احساس مسئولیت می‌کنند و فرصت کافی برای کمک، برای آنان تأمین شده است. روی همین زمینه، طبیعت کار افراد نظم و ترتیب لازم را به وجود می‌آورد.

۴- اصل آزادی: مربی باید رغبت‌ها و گرایش‌های فراگیران را در نظر بگیرد و با هدایت آن‌ها از اجبار و تحمیل خودداری کند. دیویی در بیان مفهوم آزادی می‌گوید: آزادی فقط نبودن مانع خارجی برای جنبش و حرکت نیست. آزادی رفتار کردن طبق هوس و تمایلات نیست. آزادی توانایی کنترل

خوبش است. تنها آزادی که دارای اهمیت پاینده است، آزادی هوش است، یعنی آزادی در مشاهده و قضاوت، که به وسیله هدف‌های بالارزش برانگیخته می‌شوند. خطای رایج درباره آزادی این است که آن را با آزادی حرکت یا با فعالیت جسمانی و بیرونی یکی می‌شمارند. آرمان تربیت پدید آوردن توانایی کنترل خود است.

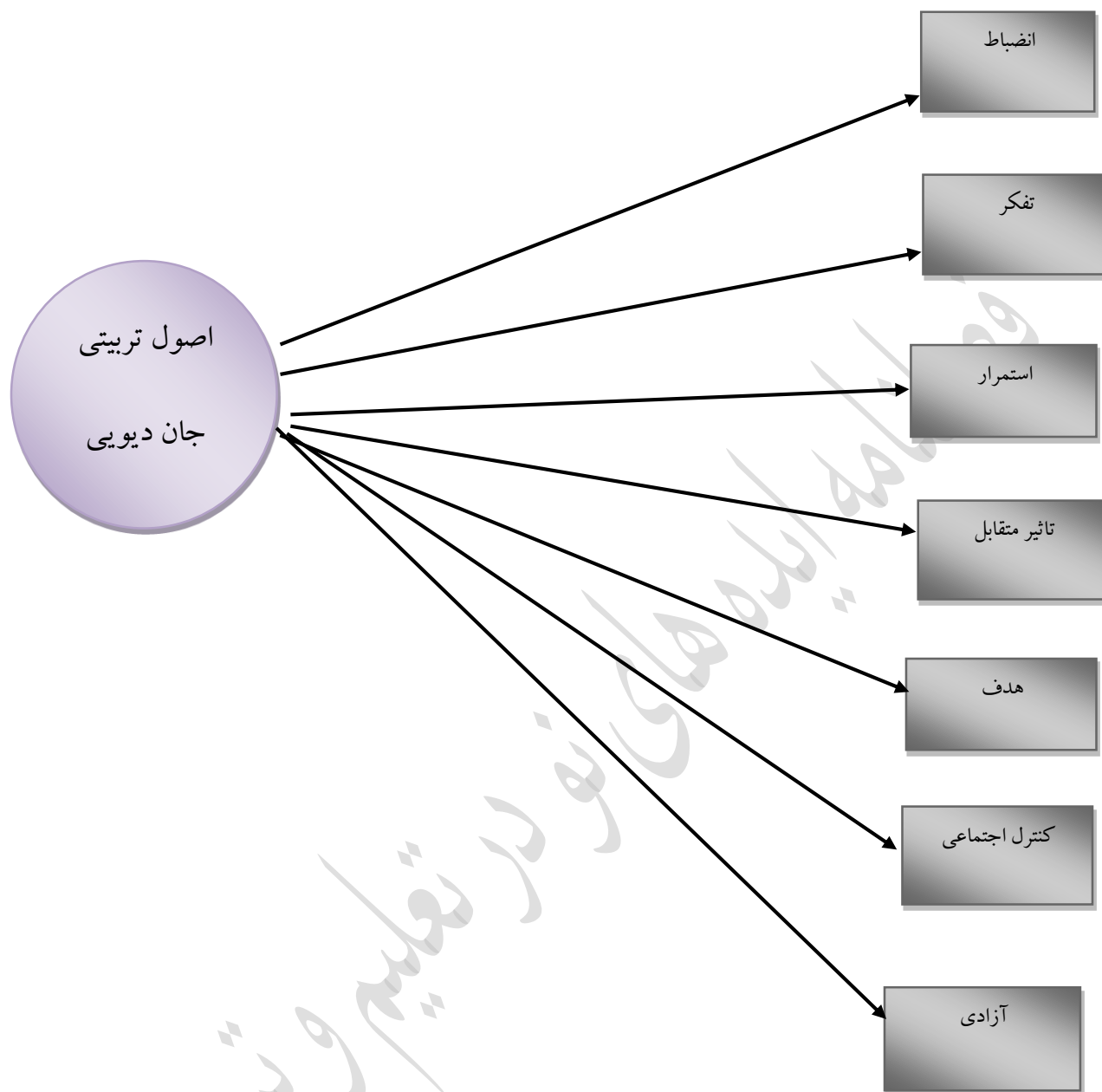
۵- اصل هدف: نظام آموزشی صحیح باید هدف‌هایی قابل انعطاف و قابل تطبیق با شرایط و مقتضیات جدید و غیر تحمیلی و متناسب با رغبت‌های فراگیران داشته باشد. آزادی با تعیین هدف و به معرض اجرا درآوردن آن ارتباط نزدیک دارد، زیرا تعیین هدف و سازمان دادن مسائل برای اجرای آن، کار عقل و خرد است. افلاطون می‌گوید: برده کسی است که هدف دیگری را به معرض اجرا درآورد. حسن عمده مدارس جدید توجه به اهمیت شرکت شاگرد در تعیین هدف‌هایی است که فعالیت‌های او را در جریان یادگیری هدایت می‌کند.

۶- اصل مربوط به سازمان مواد درسی: مواد درسی علوم اجتماعی از تجربیات عادی زندگی انتخاب شوند. ارتباط دادن بین مفاهیم و تجربیات شخصی و علمی (معنی‌دار کردن مطالب از آژوبل) رعایت شود. با توجه به این امر می‌توان استنتاج کرد که دیویی، از دیدگاه فرایندی در برنامه درسی حمایت می‌کند. برنامه درسی فرایندی بر مشاهده، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی تأکید دارد (مهرمحمدی، ۱۳۹۸).

۷- اصل انضباط: دیویی معتقد است هر فعالیتی که متوجه هدفی باشد دو جنبه خواهد بود: رغبت و انضباط. بسیاری از مربیان انضباط را مخالف بلکه نقیض رغبت می‌شمارند. ولی این دو به هم وابسته‌اند. اگر رغبتی در شخص انگیزه شده، انگیزتن اراده درست می‌گردد؛ زیرا کسی که به کاری رغبت ندارد، نمی‌تواند عمیقاً درباره آن تأمل کند و با شوق و ذوق در اجرای آن بکوشد. تفکر برکنار از رغبت بسیار سطحی و نارساست. وقتی که کودکی از فراگرفتن مطلبی سر می‌پیچد، مربی معمولاً به فکر می‌افتد که به عوامل انضباطی متوسل شود و اراده‌ی او را تحریک کند. ولی برای تحریک اراده، رغبت ضروری است؛ بنابراین باید رغبت و انضباط را لازم و ملزوم دانست (دیویی، ۱۹۶۱).

۸- دیویی معتقد است تفکر محور آموزش و پرورش است و روش‌های آموزش و پرورش باید مبتنی بر تفکر باشند. هر روشی که بهتر از روش‌های دیگر کودک را تفکر بکشانند، بالارزش‌تر است (دیویی، ۱۹۹۰).





شکل ۲. اصول تربیتی دیویی

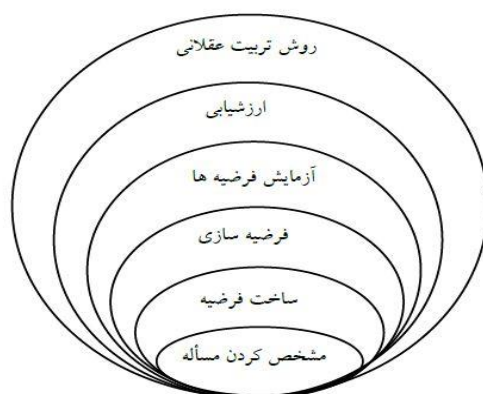
### ۳- روش‌های جان دیویی در کاربرت آرای تربیتی شامل چه مؤلفه‌هایی هستند؟

بهترین روش آموزش از نظر جان دیویی روش حل مسئله است که طبق نتایج به‌دست‌آمده باید محور فرایند فعالیت‌های تربیتی باشد و به‌عنوان یک نیاز اساسی است زیرا از نظر دیویی مدرسه محور فعالیت‌های تربیتی و جایگاهی است که فرد با ورود به آن و روبرو شدن با مسائل و شکل‌گیری طرح مسئله در ذهن به ساخت فرضیه و سپس فرضیه‌سازی و آزمایش فرضیه‌ها و نهایت ارزشیابی می‌پردازد (نقیب زاده، ۱۳۸۷) و این بهترین شیوه برای ایجاد درگیر شدن یک فعالیت اثربخش در زندگی اجتماعی است و نقش معلم به‌عنوان راهنما در این فرایند کمک به رشد عقلانی دانش‌آموزان و کسب تجارب جدید است؛ زیرا به اعتقاد دیویی دانش‌آموز باید احساس مسئولیت را یاد بگیرد و آن را در جامعه دنبال کند. با این روش از نظر وی فرد می‌تواند در برابر دیدگاه‌های سنتی و نابرابری‌های حاکم بر جامعه حقوق خویش را بشناسد؛ زیرا در این فرایند فرد با تکیه بر نیازهای عملی و فعالیت و چگونگی شناخت موضوع



معینی را دنبال می‌کند، و با این روش به بازبینی هر مرحله می‌پردازد و فرد را از قضاوت و شتاب‌زدگی دورنگه می‌دارد، و این باعث افزایش حس اعتمادبه‌نفس با تفکر عمیق و دقیق خواهد داد که در بازسازی تجارب و فعالیت عملی و ایجاد ارتباط سازنده با محیط پیرامون خود و ابراز وجود و کنجکاوی و نظایر آن نقش مهمی دارد (کمانه و همکاران، ۱۴۰۱). ایجاد انگیزه و رغبت موجب رشد فرد است و رغبتی که در مسیر عقل برای حل مسئله قرار می‌گیرد بسیار ثمربخش خواهد بود. مسئله اینکه فرد با طرح آن و با همکاری معلم سایر مراحل آن را برای رسیدن به نتیجه طی خواهد کرد. فراگیران با به‌کارگیری توانایی عقلانی در برخورد با حوادث باید توانایی ایجاد ارتباط در جمع‌آوری و سازمان‌دهی اطلاعات برای رسیدن به نتیجه را بیاموزند و این روش به شکل منظم و اصولی راه را برای فراگیران فراهم می‌سازد.

دیویی (۱۳۳۹) به این نکته اشاره دارد که روش حل مسئله و مراحل آن به‌عنوان یک روش محوری و برانگیزاننده‌ی تفکر است که باید در مسیر عقل دنبال شود و فراگیر با طی مراحل آن به انتخاب صحیح برسد و این سازمان‌دهی و نظم باید در فرد به‌صورت منظم شکل گیرد؛ زیرا به اعتقاد دیویی، تجربه فکری در طی مراحل تفکر منطقی است و مراحل تفکر منطقی همان مراحل تحقیق است و این تلاش و کوشش باید در خدمت عقل برای حل مسئله قرار گیرد. مراحل تفکر درواقع همان مراحل حل مسئله است و جز از طریق آن میسر نخواهد بود.



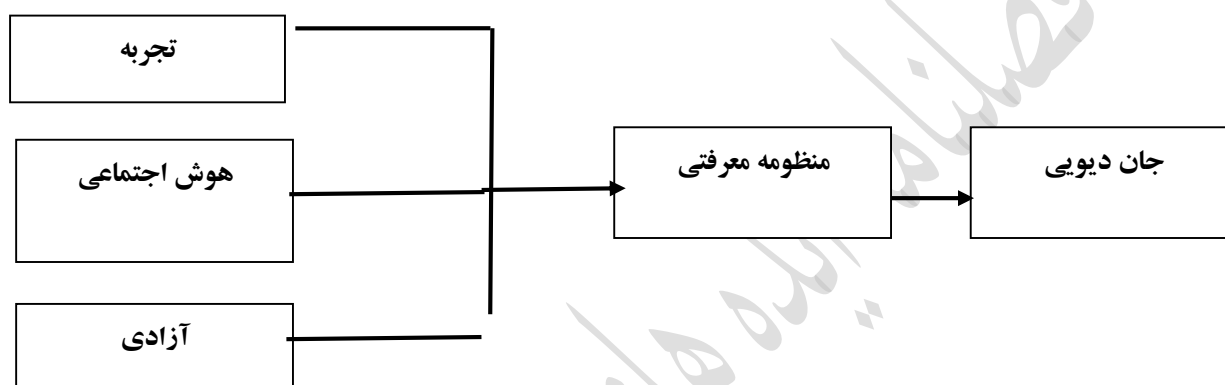
شکل ۳. روش تربیتی دیویی

#### ۴- منظومه کاربردی - معرفتی جان دیویی در آراء تربیتی شامل کدام موارد است؟

منظومه معرفتی جان دیویی از سه رکن تجربه، هوش اجتماعی و آزادی تشکیل شده است و نقش تجربه از نظر دیویی همانا بازسازی تجربه است (نقیب زاده، ۱۳۸۷). از نظر وی یادگیری از راه تجربه فرایند بازسازی مداوم تجربه است. شناسایی و پیوند روابط بین پدیده‌های مختلف و تجارب گوناگون باعث رشد در افراد خواهد شد و هر تجربه ای به کسب تجربه مراحل بعدی به انسان کمک خواهد کرد. کسب تجارب گوناگون و ضرورت شناسایی اجزاء مهم پدیده‌ها فرضیه‌هایی است که فرد در عمل و تجربه به دست می‌آورد؛ زیرا آزمون تفکر به تحقیق پذیری آن در تجربه بستگی دارد. به عقیده دیویی ارزش‌ها و ایده‌های مطلوب و روابط بین آن‌ها زمانی ارزشمند هستند که در میدان آزمایش و تجربه آزموده شوند و در ادامه این تجربه است که انسان‌ها از طریق اعمال هوش اجتماعی در امور خود، سرنوشت خویش را رقم می‌زنند زیرا آینده، حال و گذشته یک جریان واحد تجربه است. هوش اجتماعی در مسیر تجربه به ظهور خواهد رسید و خواستگاه آن تجربه است؛ و این برای آموختن و آشنایی با وظایف اجتماعی و پیوند آن با تجربه انسان را غنی‌تر خواهد کرد؛ زیرا فرایندهای اجتماعی و آموزه‌های آن مفاهیمی است که فرد به‌صورت مداوم با آن‌ها ارتباط دارد و این هوش اجتماعی فرد را توانمندتر می‌سازد و آینده او را با رفتارهای اجتماعی و انسانی محکم‌تر خواهد کرد. نگرش هوش اجتماعی گذرگاه عبور از ساحت تجربه است که در بستر زمان اتفاق می‌افتد زیرا به چالش کشیدن ساختارهای اجتماعی جز با کسب تجارب میسر نخواهد بود (کمانه و همکاران، ۱۴۰۱).

آنچه که در باب آزادی از نظر جان دیویی مطرح است آزادی فهم است زیرا این نوع آزادی همیشگی و پایدار است که ذاتاً با ارزش است زیرا با این نگرش فرد می‌تواند به‌دوراز سطحی‌نگری به مشاهده و قضاوت منطقی بپردازد و این آزادی عقل و اندیشه درست زمانی میسر خواهد بود که فرد در فضایی

به‌دوراز هرگونه تعصب آزادانه بتواند قضایای مختلف را مورد مشاهده دقیق قرار دهد و هدف‌های ارزشمندی را برای خود برگزیند و برای رسیدن به آن‌ها تلاش کند. با این نگرش دانش‌آموز بهتر می‌تواند استعدادهای بالقوه خود را بروز دهد و موجبات رشد و شکوفایی آن‌ها را در بستر زمان فراهم کند. این نوع آزادی فرد را از تسلیم و مطیع شدن دورنگه می‌دارد و معلم بهتر می‌تواند شاگرد خود را بشناسد و اسباب رشد او را فراهم کند زیرا مدرسه فقط کانون و محور انتقال اطلاعات نیست بلکه فرد با آزادی اندیشه است که به‌غایت نهایی خود که همانا کشف و جستجوی حقیقت امور و پدیده‌هاست می‌رسد. گوته (۱۳۸۶) به این نکته اشاره دارد که بازسازی تجربه رکن اساسی و مهم است به‌نحوی که بر تمام مفاهیم تجربه‌های آینده سیطره دارد و هر استدلالی تا در بوته تجربه آزموده نشود اعتبار لازم را ندارد همچنین نقش هوش اجتماعی در فرایند تجربه معنا پذیر و رشد خواهد کرد و مهم‌ترین آزادی، آزادی اندیشه و فهم است که در آن انسان به مشاهده و قضاوت صحیح می‌پردازد.



شکل ۴. منظومه معرفتی دیویی

### بحث و نتیجه‌گیری

فضای فلسفه تعلیم و تربیت، قرن معاصر در غرب را باید قرن فلسفه تربیتی دیویی نامید. دیویی فلسفه پراگماتیسمی خود را ابزارگرایی می‌نامد در بحث از جهان‌شناسی، دیویی اعتقاد دارد که جهان باز و گشاده و در تغییر دائم است و تنوع و تکثر در آن وجود دارد و رسیدن به کمال مطلوب در آن از طریق عمل کردن و نه در خیال صورت می‌گیرد. محیطی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند صرفاً طبیعی نیست و فرهنگی نیز هست. به عبارتی جهان دیویی بافته‌ای از تجارب متغیر، ناتمام، نامعین و مسئله‌ساز است و انسان در آن با حرکت از مسئله‌ای به مسئله دیگر راه خود را می‌گشاید تا بتواند موقتاً آن را تحت کنترل خود بگیرد. دیویی به امور واقعی و ادراکی که مبتنی بر عمل و فعالیت است توجه می‌کند نه به عالم معقولات و مجردات. دیویی بر نقش عمل و رفتار انسان در تربیت سهم بسزایی قائل است مخصوصاً تقویت سیستم فکری، جان دیویی بر تأکید عمل‌گرایی و بازتاب آن در میدان آموزش و پرورش تأکید می‌کرد در نظر دیویی هر مرحله گامی است از چیزی به چیز دیگر و به عبارتی، آن‌یک دوره تفکر است. تفکر مستلزم جستجو و تحقیق است. تفکر حاکی از آن است که شخص متفکر جریان ناتمام ولی قابل استمرار و کمال‌پذیری را مورد توجه قرار داده است. سعادت در نظر دیویی مطلق و ثابت نیست و به معنی پیشرفت کردن و ترقی نمودن و به مقصود رسیدن است او سعادت را دنیوی می‌داند و داشتن کنجکاوی، خلاقیت و ابتکار را از نشانه‌های سعادت می‌داند. دیویی آزادی انسان را بسیار مهم دانسته و آن را در توانایی اجرای عمل و حل مشکلات و توانایی تغییر جریان عمل و آزمایش‌های نو و توانایی برآوردن میل و به‌کارگیری اختیار می‌داند. آشکار گردید که مفاهیم اساسی استنباط شده برای مبانی تربیتی دیویی، عمل‌گرایی طبیعی‌گرا، عادت، تجربه، موقعیت، تفکر، دموکراسی، رشد، مسئله، پیامد‌گرایی، حل مسئله، تربیت، اجماع؛ معیار حقیقت می‌باشد که اگر این مفاهیم را در یک ظرف بریزیم آنگاه مفهوم رشد در مبانی تربیتی دیویی روشن‌تر خواهد شد که عبارت است از اینکه وقتی در یک موقعیت یک ارتباط تجربی مستقیم با یک مسئله حیاتی که از فروشکستن عادات و رخ دادن اختلال کارکردی ظاهر شده است، داشته باشیم و به تفکر تأملی پیامدنگر،

مشارکتی برای حل مسئله پردازیم و به یک بصیرت و فهم عمیق برسیم. سپس به بررسی ارتباط مفاهیمی چون رابطه پیامدگرایی و تفکراتاملی، رابطه پیامدگرایی و ارزش شناسی، رابطه تفکر و تجربه، درهم تنیدگی ذهن و جهان، و فرد و جامعه، رابطه زندگی و تربیت و دموکراسی پرداخته شده است. جان دیویی تعلیم و تربیت را عبارت می‌داند از دوباره ساختن یا تجدیدنظر در تجربیات و تشکیل مجدد آن‌ها به‌منظور اینکه این تجربیات به تجربیات گذشته معنی بیشتری داده و برای هدایت تجربیات بعدی فرد را بهتر آماده سازند. تعلیم و تربیت روابط و تأثیر متقابل آن‌ها را روشن می‌سازد و فرد را از این ارتباطات و تأثیرات متقابل آگاه می‌سازد. بنابراین درک ارتباط فعالیت‌ها فرد را قادر می‌سازد تا بتواند نتایج اعمال خود را پیش‌بینی کند و بدین‌وسیله تجربیات بعدی خود را هدایت نماید. دیویی بین يك عمل عادي و يك عمل تربيتي تفاوت قائل می‌شود و این تفاوت را در توجه به نتیجه کار می‌داند. برای بیان فلسفه و نظریه‌ای که اساس تعلیم و تربیت جدید را پایه‌گذاری می‌کند توجه به اصول مشترکی است که مبنای کار مدارس مرفقی را تشکیل می‌دهد مفید خواهد بود. آزادی بیان و رشد فردی در برابر تحمیل و فشار از بالا؛ فعالیت آزادانه در برابر اعمال انضباط خارجی؛ یادگیری از طریق تجربه در برابر یادگیری از طریق معلم و کتاب؛ کسب مهارت‌ها و فنون به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف حیاتی و لازم، در برابر کسب آن‌ها به‌وسیله تمرین؛ بهره‌برداری از فرصت‌های زندگی کنونی در برابر آمادگی برای آینده‌ای نسبتاً دوره‌آشنایی با دنیای در حال تغییر در برابر اهداف و مطالب ثابت (دیویی، ۱۹۹۰). او رسیدن به کمال مطلوب را از طریق عمل ممکن می‌داند نه از طریق خیال کردن. روش کسب معرفت در فلسفه او روش علمی یا روش حل مسئله است. طراحی فضای فیزیکی مدرسه؛ ارتباط دادن مدرسه و جامعه و فراهم آوردن محیط توأمان بازی و کار و تفکر ورزی. اخلاق امری اکتسابی است و اخلاقیات همان آداب‌ورسوم و سنن و عادات جمعی است. با توضیحاتی که از فلسفه تربیتی ارائه گردید، قطعاً مدرسه متناسب با این دیدگاه نیز مختصات خاص خود را پیدا می‌کند که در این مقاله بدان‌ها اشاره شد. انتظار می‌رود نظام آموزشی کشور با بهره‌گیری از نقاط مثبت مکتب تربیتی جهان‌شمول دیویی، عمل‌گرایی را در آموزش به‌منصه ظهور برسانند.

## منابع

- احمدی، غ؛ عصاره، ع؛ امینی زرین، ع (۱۳۹۷). تبیین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، ۱۴(۱).
- ادیب منش، مرزبان؛ پرویزی، اکبر (۱۴۰۱). زیبایی و هنر از دیدگاه جان دیویی و اشارات تربیتی آن بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی ایران، نشریه پویا در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان، شماره ۲۸.
- اسکلفر، اسرائیل (۱۳۶۶). چهار پراگماتیسم، مترجم: محسن حکیمی، نشر مرکز، تهران.
- ایزدپناه، امین و شمشیری، بابک (۱۳۹۹). بازسازی نقش و کارکرد فلسفه تعلیم و تربیت در نسبت با عمل تربیتی مبتنی بر اندیشه‌های جان دیویی، مجله آموزش پژوهی، ۶(۲۴)، ۱۰-۱۵.
- آتشی، فلکناز؛ گلستانی، سیدهاشم؛ شمشیری، محمدرضا (۱۳۹۹). کاربرد فلسفی و تربیتی جان دیویی برای مدیران آموزشی، مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۱(۳)، ۱۳-۲۳.
- باقری، خسرو و محمدعطاران (۱۳۷۶). فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، تهران، انتشارات محراب قلم.
- ترک زاده، جعفر و فهیمه کشاورزی (۱۳۹۵). تبیین جایگاه رویکرد راهبردی در برنامه‌های درسی آموزش عالی بر اساس دیدگاه جان دیویی، هفتمین همایش انجمن ملی فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.
- خاری آرانی، مجید؛ علی اکبرزاده آرانی، زهرا؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی آرای تربیتی ملامحسن فیض کاشانی و جان دیویی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره جدید، ۲۴، ۱۰.
- دیویی، جان (۱۳۳۷). بنیاد نو در فلسفه، ترجمه صالح ابوسعیدی، تهران: انتشارات اقبال.
- دیویی، جان (۱۳۴۱). مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه ا.ح. آریانپور، تبریز: انتشارات شفق.
- دیویی، جان (۱۳۴۳). مدرسه و اجتماع، ترجمه مشفق همدانی، تهران، صفی علیشاه.
- دیویی، جان (۱۳۶۹). تجربه و آموزش و پرورش، ترجمه اکبر میرحسینی، تهران: مرکز نشر و ترجمه کتاب.
- دیویی، جان (۱۳۷۵). تجربه و آموزش، ترجمه منصور تولیتی، تهران: چاپ و نشر نور.

- رجب پورفرخانی سمیه؛ نوخندانی ارتیانی، عبدالله (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در رویکرد پیشرفت گرایی (با تأکید بر آرا تربیتی جان دیویی) و تعلیم و تربیت اسلامی (مطهری)، کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
- سرمدی، محمدرضا؛ اسماعیلی زهره؛ فرج الهی مهران (۱۳۹۷). استلزامات تربیتی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی جان دیویی در نظام آموزش از راه دور، فصلنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره ۳۲.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۴). مسائل فلسفی مکتب‌های فلسفی و مبانی علوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صحرانشین، ابراهیم؛ هاشمی، سید احمد؛ قلناش، عباس؛ رنجبر، مختار (۱۳۹۹). تبیین مبانی تربیت سیاسی و اجتماعی اندیشه‌های جان دیویی و مطهری در تربیت شهروندی، پژوهشنامه تربیتی، سال پانزدهم، بهار، شماره ۶۲.
- کردان، علی‌محمد (۱۳۹۱). سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: انتشارات سمت.
- کردلو، محسن؛ برخورداری، رمضان؛ قانلی، یحیی؛ ضرغامی همراه، سعید (۱۳۹۸). تبیین زیبایی‌شناسی از دیدگاه جان دیویی و استلزام های تربیتی آن، مجله فلسفه تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۹-۱۰.
- کمانه، ریحانه؛ یوسفی، علیرضا؛ کشتی آرای، نرگس (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل تربیت عقلانی از دیدگاه مولانا و جان دیویی، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۱)، ۲۹-۲۰.
- گوئنگ، جلال (۱۳۸۶). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران، سمت.
- مهرمحمدی، محمد (۱۳۹۸). سازوکاری رویکرد تلفیقی با نظریه ساخت و ساز گرایی. برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازه‌ها، سمت، تهران.
- تقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۷). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طهوری.
- نیک‌روز، یوسف و بختیاری تهمینه (۱۳۹۱). مقایسه اندیشه‌های تربیتی و آموزشی سعدی و جان دیویی، مجله ادبیات تطبیقی، ۳(۶)، ۳۶-۱۵.
- هاشمیان، محمدحسین؛ میرزامحمدی، محمدحسن؛ رهنما، اکبر؛ دارابی، محمد (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی اندیشه‌های زیبایی‌شناختی علامه محمدتقی جعفری و جان دیویی و استنتاج دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۳۹)، ۱۰-۱.

- Ayers, W. (1995). Social imagination: A conversation with Maxine Greene. International Journal of Qualitative Studies in Education, 8(4), 319-328
- Dewey, J. (1939). The School and Society. University of Chicago Press. (In Persian)
- Dewey, J. (1962). An Introduction to the Philosophy of Education (Democracy and Education). Translation: Amir Hossein Arianpour, Tehran: Tehran Bookstore.. (In Persian)
- Dewey, J. (1990). Experience and education. Translated by Seyed Akbar Mir Hosseini. Tehran: Book Translation and Publishing Center.. (In Persian)
- Dewey, J. (1991). Creative Democracy. From Sidney Ranter, Secretary Conference oMethods in Philosophy and Science. The Philosophy of the Common Man, 220-228.